

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بررسی فضیلت انفسنا در آیه مباحله»

«حجت الاسلام و المسلمین علی ربانی گلپایگانی

حجت الاسلام محسن زارع پور

امیر امیری خراسانی»^۱

چکیده

آیه مباحله (نساء/۶۱) از غَرَر آیات قرآن کریم است؛ مطابق تقریر رایجی که از این آیه وجود دارد، تعبیر «انفسنا» فضیلتی بس عظیم برای علی علیه السلام، محسوب می‌شود؛ با این توضیح که در این تعبیر، علی علیه السلام جان پیامبر و نفس او خوانده شده است و بدون شک معنای حقیقی، یعنی اتحاد وجودی و نفسانی، منظور نیست؛ زیرا در عالم خارج، پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام، دو نفر هستند نه یک نفر. پس می‌توان گفت مراد آیه شریفه این است که علی علیه السلام در علو مقام، همچون پیامبر صلی الله علیه و آله است.

پیش فرض این استدلال این است که مراد از «انفسنا»، امیرالمؤمنین علیه السلام باشد؛ و این مطلبی است که تمام مفسران شیعه و تقریباً بیشتر مفسران اهل سنت آن را پذیرفته‌اند؛ سؤال اینجاست که تعبیر «انفسنا» در آیه شریفه صرفاً تعبیری رایج و عادی است، مثل اینکه در عُرف می‌گویند: «ما خودمان می‌آییم!» و برداشت فضیلت از آن برداشت

۱. پایه سوم، مدرسه علمیه آیت الله بهجت (ره) قم المقدسه

ذوقی متکلمان شیعه است، یا حاکی از فضیلتی عظیم برای امیرالمؤمنین علیه السلام است؟ بررسی روایات ذیل آیه مباحله، نشان از آن دارد که این تعبیر حامل فضیلتی بزرگ برای امیرالمؤمنین علیه السلام است که توسط خود ائمه هم مورد استناد قرار گرفته است؛ چه اینکه اتحاد نفس پیامبر صلی الله علیه و آله با امیرالمؤمنین در مقاطع دیگری غیر از مباحله هم از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صادر شده که صراحت در فضیلتی عظیم برای علی علیه السلام داشته و هیچ جای شک و شبهه ندارد.

کلید واژه

«آیه مباحله، أنفسنا و أنفسکم، فضائل امیرالمؤمنین، جانشین پیامبر»

پرسش‌های اعتقادی ریشه در هویت حقیقی انسان دارند و آدمی با پاسخگویی به این سوال‌ها راه تیره و تاریک زندگی را روشن و مسیر حیات سعادت‌مندان را برای خویش هموار می‌کند. تا آنجا که می‌دانیم انسان در هیچ دوره‌ای از تاریخ خود، از این پرسش‌ها به دور نبوده و دغدغه و جست‌وجو برای یافتن پاسخ‌های مناسب را رها نکرده است. بحث امامت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان مسلمین از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و به همین سبب، همواره با چالش‌ها و شبهاتی همراه بوده است.

از آنجا که جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایگاهی بس شریف و خطیر است، هر کسی تاب این مقام را ندارد؛ از این رو شیعه در طول تاریخ کوشیده است صلی الله علیه و آله تا فضایل مولا علی علیه السلام را به عنوان کسی که معتقد به امامت و جانشینی وی هستند، بیش از پیش استخراج و به جهانیان عرضه نمایند.

از جمله فضائل فراوانی که برای آن حضرت در میان شیعه بر سر زبان‌هاست این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را نه تنها به عنوان جانشین، بلکه به عنوان جان شیرین خویش به دیگران معرفی کرده است. این فضیلت معمولاً به تعبیر «أنفسنا و أنفسکم» در آیه مباحله استناد داده می‌شود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روز مقرر برای مباحله با مسیحیان نجران، با علی، فاطمه زهرا و حسن و حسین عازم مباحله شد. در این آیه کلیه الفاظ وارد شده مصادیق آن‌ها معین است. و علی علیه السلام جزء هیچ یک از الفاظ قرار نمی‌گیرد جز أنفسنا. حال با قبول اینکه مصداق أنفسنا علی علیه السلام اصل بحث ما در این نوشتار است که آیا این تعبیر فضیلتی را برای علی علیه السلام اثبات می‌نماید یا نه؟

ممکن است در نگاه ابتدایی کسی بگوید: تعبیر «أنفسنا» در این آیه تعبیری عرفی و رایج است مانند اینکه وقتی دو گروه با هم هستند یک گروه که عقب افتاده به گروه دیگر می‌گوید: «شما بروید» ما «خودمان» می‌آییم! آیا تعبیر خودمان به این معناست که همه اعضای این گروه به منزله نفس و جان یکدیگرند؟! آیا تعبیر أنفسنا در آیه شریفه مباحله هم چنین است، یا بار فضیلتی را برای وجود مبارک امیر المومنین علی علیه السلام به دوش می‌کشد؟ همچنین آیا استفاده

فضیلت از تعبیر آنفسنا در آیه مباحله توسط ائمه اطهار و حتی خود حضرت امیر علیه السلام صورت گرفته یا فقط برداشت متکلمان و مفسران است. که علی علیه السلام نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است. در این نوشتار برآنیم که به این پرسش پاسخ مناسبی ارائه دهیم.

با توجه به بحث های عمیق و اختلاف های بسیاری که در این زمینه صورت گرفته است و اهمیت والایی که این مسئله و فضیلت دارد اما تاکنون تنها دو مقاله در این رابطه نوشته شده (نجفی. محمد جواد و موسوی کراماتی، ۱۳۹۱، «انفسنا» و معناشناسی تاریخی مفهوم آن در ادبیات دینی، علمی پژوهشی، شماره ۳۹ / مهریزی. مهدی، ۱۳۷۳) که ارتباطی با بحث ما ندارند. یکی اینکه اگر علی علیه السلام نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است چه طور با دخترش ازدواج کرد؟ و دیگر اینکه معنای آنفسنا چیست و این چه فضیلتی دارد؟ که مقاله دوم سعی بر مفهوم شناسی واژه آنفسنا داشته ولی بحث ما در این مقاله این است که این استدلال چه ریشه ای دارد و آیا بدون هیچگونه تفکر و طرح مسئله ای توسط شیعه به میان آورده شده است؟

مقاله حاضر از چهار قسمت تشکیل می شود که در ابتدا به بیان شأن نزول آیه مباحله و معناشناسی آنفسنا در لغت به صورت اجمالی می پردازد و در ادامه به بررسی اثبات فضیلت انفسنا را در روایات، منابع کلامی، و تفسیری فریقین مورد بررسی قرار می دهیم. علت تقسیم بندی فصل ها به این شکل است بدین علت است که از طرفی باید مخاطب آشنایی نسبت به فضای بحث پیدا کند و از در ادامه از آن جا که مبحث مبحثی کلامی است و از طرفی دیگر شأن نزول آیه مباحله مربوط به ماجرای مباحله است و باید تفاسیر در ذیل آن بحث می شود و دیگر این که روایاتی که در این باب ذکر شده را نیز باید مفصلاً بررسی کنیم.

کلیات

معرفی اجمالی آیه ی مباحله

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران/۶۱)

«هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند به آنان بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نماییم؛ شما هم زنان خویش را، ما از نفوس خود دعوت کنیم شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباحله کنیم؛ و لعنت خود را بر دروغگویان قرار دهیم».

آیه شریفه مذکوره در بالا آیه ۶۱ سوره مبارکه آل عمران می باشد که به ماجرای مباحله پیامبر اسلام ﷺ با مسیحیان نجران در سال دهم هجرت اشاره دارد.

شان نزول آیه مباحله

در شان نزول این آیه شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که نصاری نجران با تمسک به این که عیسی ﷺ بدون پدر متولد شده با شبهه ی الوهیت حضرت عیسی علیه السلام به بحث و مجادله با پیامبر اکرم ﷺ پرداختند و در مقابل حضرت اقامه ی برهان و استدلال نمود «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/۵۹) آنان به جای پذیرش و تمکین در مقابل برهان، لجاجت و عناد نشان دادند، این جا بود که پیامبر ﷺ آن ها را دعوت به مباحله و نفرین متقابل نمود و افراد مباحله کننده از جانب خود را برای مباحله با آنان معرفی نمود. مراد از «أبنائنا» نوه های پیامبر ﷺ یعنی حسن ﷺ و حسین ﷺ و نسائنا یعنی دخترش فاطمه س و مراد از کلمه ی أنفسنا به اتفاق مفسران پیامبر ﷺ و علی ﷺ است. (مکارم شیرازی. تفسیر نمونه. ج ۲. ص ۵۷۸)

همان طور که در این نوشتار آمده باید گفت نظر عامه اهل سنت بر این است که مراد از «أنفسنا» در آیه مباحله پیامبر ﷺ و علی ﷺ می باشد ولی متاسفانه برخی از مفسران اهل سنت گرفتار تعصب و پیش داوری گردیده و در

تفسیر آیه مطالب تعجب برانگیزی گفته اند. بر اساس گفتار آنان کلمه ی أنفسنا بر علی علیه السلام دلالت نمی کند بلکه مراد از آن خود پیامبر صلی الله علیه و آله است و علی علیه السلام جزء ابناءنا به حساب آمده و به مباحله فراخوانده شده است.

این در حالی است که مکان و منزلت خاص امیرالمؤمنین نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و کثرت و فراوانی فضائل به گونه ای است که سخن گفتن در مورد برتری آن حضرت به معنای مقایسه با دیگر یاران و اصحاب رسول الله را مشکل ساخته و او را برای مفاضله و مقایسه با دیگران از دسترس هر گونه داوری خارج می سازد.

مطابق تقریر رایجی که از آیه ی مباحله وجود دارد تعبیر «انفسنا» فضیلتی برای امیرالمؤمنین علیه السلام محسوب میشود زیرا در آیه ی مباحله علی علیه السلام جان پیامبر صلی الله علیه و آله و نفس او خوانده شده، بدون شک معنای حقیقی منظور نیست، یعنی علی علیه السلام خود پیامبر نیست به این معنا که یک شخص نمی تواند دقیقاً از لحاظ روح و جسم شخص دیگری باشد و دو نفر در قالب یک جسم مادی باشند. بلکه منظور این است که علی علیه السلام در رفعت و علو مقام همچون پیامبر صلی الله علیه و آله است که نفس پیامبر خوانده شده است. از سوی دیگر بدون تردید پیامبر صلی الله علیه و آله افضل از همه بود بنابراین هر که نفس پیامبر باشد او هم افضل از همه خواهد بود پس علی علیه السلام افضل از همه است. (علامه حلی. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قسم الهیات. ص ۲۱۸)

انفسنا در لغت

کلمه «نفس» در لغت دو معنای اصلی دارد؛ یکی به معنای روح و دیگری به معنای ذات و حقیقت یک چیز است. وقتی گفته می شود نفس فلانی از بدنش خارج شد، مقصود معنای اول است و هنگامی که گفته می شود؛ فلانی نفس خود را هلاک کرد معنای دوم مراد است. (شرتونی لبنانی. اقرب الموارد، ج ۲ ص ۱۳۲۹/لسان العرب. ابن منظور، ج ۱۴ ص ۳۱۹)

واکاوی فضیلت أنفسنا در روایات فریقین

در این بخش بر آنیم تا پاسخی برای این پرسش ها پیدا کنیم؟

۱. آیا روایتی در منابع فریقین وجود دارد که تعبیر «أنفسنا» را در آیه ی مباحله ناظر به بیان فضیلتی برای

امیر مؤمنان علی علیه السلام بدانند یا نه؟

۲. آیا غیر از آیه ی مباحله مستند دیگری وجود دارد که در آن امیرالمؤمنین نفس و جان پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شده

باشد؟

روایات اهل سنت

در منابع اهل سنت روایتی مبنی بر فضیلت دانستن تعبیر أنفسنا در ایه مباحله یافت نشد لیکن در برخی روایات

بدون استناد به آیه مباحله، امیرالمؤمنین علی علیه السلام نفس و جان پیامبر دانسته شده است. این روایات به شرح ذیل

می باشد:

۱. أحمد بن شعیب نسائی الشافعی می نویسد: پیامبر درباره ی «بنی ولیعنه» فرموده اند: اگر از مخالفت با من دست

برندارد مردی همانند خود را به جنگ با آنان خواهم فرستاد تا فرمان مرا درباره ی آن ها اجرا کند؛ جنگویان شان را

خواهد کشت و ذریه ی آن ها را اسیر خواهد کرد. أبوذر گفته است: مقصود پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام بود. (ابن شعیب

نسائی الشافعی. أحمد. خصائص امیرالمؤمنین. ص ۱۰۸. باب ۲۳. ح ۷۲)

۲. به نقل خطیب خوارزمی، از محدثین اهل سنت؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی فرموده است «علی

نفسی» (خوارزمی. موفق ابن احمد ابن محمد مکی، مناقب الامام امیرالمؤمنین صلی الله علیه و آله. ص ۱۴۸. ح ۱۷۳)

۳. پیامبر ﷺ در روایات متعددی درباره ی علی علیه السلام فرموده است علی منی و أنا من علی، گوشت و لحمه من لحمی و دمه من دمی. (ابن شعیب نسائی شافعی. أحمد. خصائص امیر المؤمنین. صص ۱۰۴ و ۱۰۷/ابن حنبل. مسند احمد بن حنبل. ج ۱۳. احادیث ۱۷۴۸۵، ۱۷۴۷۹، ۱۷۴۴۱، ۱۷۴۴۰ و ج ۱۵. حدیث ۱۹۸۱۳)

۴. عبدالرحمان ابن عوف نقل می کند که پیامبر ﷺ فرمودند: ای مردم قطعا من زودتر از شما می میرم تا آماده کنم برای شما منزل و مقام خوب و طیبی در جهان آخرت و وصیت می کنم شما را که به عترتم خوبی کنید و همانا وعده گاهتان حوض کوثر است و قسم به کسی که جانم در دست اوست باید نماز را به پا دارند و زکات را بپردازند یا برمی انگیزم به سوی آن ها مردی را از خودم یا مانند نفس خودم پس گردن های جنگویانشان را باید بزند و ذریه آن ها را به اسارت بگیرد.

راوی گفت: مردم پنداشتند که آن شخص ابوبکر یا عمر است، پیامبر ﷺ دست علی را گرفت و گفت: این است آن شخص. (عسقلانی. ابن حجر. المطالب العالیة. ج ۱۱. ص ۲۰۸/ابن ابی بکر الهیثمی. نور الدین علی. مجمع الزوائد و منبع الفوائد. ج ۹. ص ۲۵۷/ابن حسام. علاء الدین علی. کنز العمال. ج ۴. ص ۴۴۱ با کمی تفاوت)

۵. نقل شده که شخصی از پیامبر ﷺ می پرسد که بعد از شما بهترین مردم کیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند ابوبکر. گفتم بعد از ابوبکر کیست؟ پیامبر ﷺ فرمودند عمر. پس فاطمه س گفت یا رسول الله: در مورد علی چیزی نگفتی. فرمود: ای فاطمه علی مثل نفس من است. (ابن علی الشوکانی. محمد. الفوائد المجموعه فی الأحادیث الموضوعه. ج ۱. ص ۳۸۲)

روایات شیعه

برخلاف رای و نظر اهل سنت، در منابع تشیع روایات بسیاری مبنی بر اثبات فضیلت «أنفسنا» در آیه مباحله وجود دارد که برخی از این روایات در ادامه آورده می شود:

۱- روزی حضرت رضا علیه السلام در مجلس مأمون حاضر شدند و در آن مجلس جماعتی از علمای اهل عراق و خراسان حضور داشتند. مأمون رو به حصار گفت که در مورد آیه شریفه:

« تُمْ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ » (الفاطر/ ۳۲)

«آنگاه این کتاب (قرآن) را بر گروهی از بندگانشان که (آنان را) برگزیدیم به میراث دادیم پس برخی از بندگان ما (در عمل به کتاب) بر خود ستمکارند و بعضی میانه رو و برخی با اذن الهی نسبت به کارهای خیر سبقت گیرند، که این همان فضل بزرگ الهی است».

مرا خبر دهید. علما گفتند که خداوند امت را اراده کرده است و مأمون به امام علیه السلام گفت: یا أباالحسن تو چه می گویی؟ حضرت می فرماید: «من آن چه را که آن ها گفتند نمی گویم و می گویم که خداوند عترت طاهره را از آن آیه اراده کرده است.» و مأمون گفت: چگونه از آن عترت را بدون امت اراده کرده است و حضرت در جواب فرمودند: اگر خداوند امت را اراده کرده پس همه ی امت در بهشت بودند و در آیه ی مباحله هنگامی که خداوند پاکان خلق خود را ممتاز کرد، پیغمبرش را فرمان داد فرمود: بگو ای محمد بیاید تا بخوانیم پسران ما را و پسران شما را و زنان ما را و زنان شما را و خود ما و خود شما را سپس به درگاه خداوند زاری کنیم و لعنت خداوند را بر دروغگویان مقدر داریم. پس پیغمبر صلی الله علیه و آله و حسن و حسین و فاطمه (علیهم السلام) را برآورد و آنان را با خود قرین ساخت، آیا میدانید معنای أنفسنا و أنفسکم چیست؟ علما گفتند: مقصود خود آن حضرت است. امام فرمودند: غلط گفتید. همانا مقصود از آن علی علیه السلام است و یک دلیلش گفته ی پیامبر صلی الله علیه و آله است هنگامی که فرمود باید بنی ولیعۀ (تیره ای از کنده ی یمن بودند) باز ایستند و گر نه مردی بر سر آنان

فرستم که چون خود من است، مقصودش علی علیه السلام بود. این خصوصیتی است که احدی بر آن سبقت نگرفته و فضیلتی است که بشری مخالف آن نیست و شرفی است که هیچ کس بر آن پیشی نگرفته زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله نفس علی علیه السلام را چون خود قرار داده است. (ابن شعبه حرانی. حسن بن علی. تحف العقول عن آل الرسول. ج. ۱. ص. ۴۴۸)

۲. نقل شده امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: رازداران از اصحاب رسول خدا علم پیدا کردند که در میان آن ها مردی نیست که برای او منقبتی باشد مگر در حالی که در آن منقبت شرکت کردم و بر او برتری یافتم و هفتاد منقبت برای من است که احدی از اصحاب رسول خدا در آن شرکت نکردند پس گفتم یا امیرالمؤمنین مرا از آن ها خبر بده. پس امام فرمودند: قطعاً اولین منقبت برای من این است که شرک نورزیدم به خدا حتی در حد یک چشم به هم زدن و نپرستیدم بتی را و

و قطعاً نصاری امری را ادعا کردند که خداوند در رابطه با آن امر آیه ای (آیه مباهله) را نازل کرد :

«فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ ثُمَّ

نَبْتِهَلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران، ۶۱)

پس نفس من نفس رسول خدا ص و و مقصود از زنان فاطمه س و فرزندان حسنین می باشد. (ابن

بابویه. الخصال. ج. ۲. ص. ۵۷۶)

۳. نقل شده که مأمون روزی گفت به امام رضا علیه السلام که خبر ده مرا به بزرگترین فضیلت امیرالمؤمنین علیه السلام که قرآن

دلالت بر آن فضیلت کند؟ امام علیه السلام فرمود: آیه مباهله است چنان که خدای عز و جل فرموده است: فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ

بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتِهَلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ

عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران/ ۶۱)

خطاب است به رسول خدا صلی الله علیه و آله، یعنی بعد از آنکه علم حاصل کردی به حال عیسی علیه السلام، پس اگر کسی

از نصاری مجادله کند با تو در باب وی به اینکه خداست یا پسر خدا؟ بگو تو، که بیایند تا بطلبیم ما پسران

خود را و شما پسران خود را و ما زنان خویش را و شما زنان خویش را و ما انفس خود را و شما انفس خود را، بعد از آن مباحله کنیم و بگردانیم لعنت خدای را بر دروغگویان. (و مباحله اینست که دو شخص دعا کنند و هر یک بگویند که ما و تو هر کدام که دروغ بگوئیم لعنت خدای تعالی بر او باد). پس طلبد رسول الله ﷺ امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را پس ایشان دو پسر بودند، و طلبد فاطمه علیها السلام را پس او بود مراد در این مقام به زنان حضرت، و طلبد امیر المؤمنین علیه السلام را پس او نفس حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بود به حکم خدای عزّ و جلّ. (زیرا فرمود که ما می طلیم نفس خود را و آخر امیر المؤمنین علیه السلام را طلبد، پس معلوم شد که او به منزله نفس نبی صلی الله علیه و آله و سلم است) و به تحقیق ثابت شد که نیست احدی از خلق خدای تعالی بزرگتر از رسول صلی الله علیه و آله و سلم و افضل از وی. پس واجب است که نبوده باشد کسی افضل از کسی که نفس رسول صلی الله علیه و آله و سلم است به حکم خدای - عزّ و جلّ -، یعنی امیر المؤمنین علیه السلام. مأمون گفت که آیا چنین نیست که خدای تعالی «ابناء» به لفظ جمع گفته است یعنی «پسرها» و حال آنکه نخوانده است رسول صلی الله علیه و آله و سلم مگر دو پسر خود را و بس، و ذکر کرده است «نساء» به لفظ جمع یعنی «زنها» و به درستی که نخوانده است رسول صلی الله علیه و آله و سلم مگر دختر خود را تنها، پس چرا جایز نیست که ذکر کرده باشد خواندن کسی را که نفس پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد و بوده باشد مراد در واقع حضرت پیغمبر خود نه غیر او؟ بنا بر این نیست برای امیر المؤمنین علیه السلام این فضیلتی که ذکر کردی. شیخ فرمود که امام رضا علیه السلام جواب فرمود که درست نیست آنچه تو ذکر کردی یا امیر المؤمنین، زیرا طلبنده غیر خود را می طلبد، چنان که کسی که امرکننده و حکمکننده است امر می کند به غیر خود، و صحیح نیست در حقیقت خود را بخواند، چنان که صحیح نیست که امر به خود کند در حقیقت. و هر گاه نطلبد باشد نبی صلی الله علیه و آله و سلم مردی را در مباحله مگر امیر المؤمنین علی علیه السلام را، ثابت می شود که او نفس پیغمبر است که اراده کرده است آن را خدای تعالی در کتاب خود و گردانیده است حکم آن حضرت را اینکه نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است در تنزیل و قرآن. مأمون گفت: هر گاه این جواب وارد

شده سؤالی که کردم باطل شد. (آقا جمال خوانساری. محمد بن حسین. دفاع از شیعه (ترجمه الفصول المختاره شیخ مفید). ص ۸۵)

۲- ابن سیرین از پیامبر ﷺ نقل می کند که پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین فرمود تو از منی و من از تو هستم (انت منی و أنا منک) و در روایت دیگری می فرماید: أنت منی کروحی من جسدی. (ابن شهر آشوب. مناقب آل ابی طالب. ج ۲. ص ۲۱۷)

۳- پیامبر فرمود من کنت مولاه فعلی مولاه و همچنین در روایت دیگر خطاب به امام علی علیه السلام می فرماید أنت منی بمنزله هارون من موسی و همچنین می فرماید أنت ولی کل مؤمن و مؤمنه بعدی و در روایت دیگر می فرماید علی منی و أنا من علی. در روایت دیگر به امام علی ﷺ می فرماید حربک حربی و سلمک سلمی و به قول خداوند متعالی می فرماید «إِنَّ الدِّينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ أَوْلِيَاءَ فِي الْأَدْيَانِ» (المجادله/ ۲۰). (ابن طریق. یحیی بن حسن. عمدۀ عیون صحاح الأخبار فی مناقب امام الأبرار. ج ۱. ص ۲۱۴)

۴- مراد از آنفس علی ابن ابی طالب ﷺ می باشد. رسول خدا او را آورد سپس او را در سمت راست خود نشانید مثل شیر (منظور معنای شجاعت حضرت است) سپس رسول خدا فرمودند: خدایا این شخص (که اشاره به علی ﷺ دارد) نفس من است و او نزد من مثل خود من است «هو عندی عدل نفسی». (ابن علی ع. حسن ع. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ع. ص ۶۵۸)

واکاوی فضیلت آنفسنا در منابع کلامی فریقین

در این فصل برآنیم که ببینیم آیا همه ی متکلمان شیعه در طول تاریخ از تعبیر آنفسنا در آیه ی مباحله فضیلتی برای امیرالمؤمنین برداشت کرده اند یا نه و آیا کسی هم یافت می شود که بار فضیلتی برای این تعبیر قائل نباشد. و همچنین تفسیر متکلمان اهل تسنن در طول تاریخ از تعبیر آنفسنا در آیه مباحله را برداشت کنیم که آیا اهل تسنن از این تعبیر فضیلتی را برای امیرالمؤمنین علیه السلام اثبات می کنند یا نه.

منابع کلامی اهل تسنن

۱- هنگامی که آیه ی مباحله نازل شد پیامبر، علی و فاطمه و حسنین را جمع کرد که این دلالت بر برتری علی می کند و اقتضا می کند که علی به امامت شایسته تر است و چاره ای نیست که مراد از آنفسنا و آنفسکم علی باشد. و این که او را از نفس پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهیم جایز نیست مگر این که او را در فضل بخواند. و ما بیان می کنیم که امامت گاهی در کسی است که برتر نیست و در میان علمای ما کسی است که از صاحبان اثر ذکر کرده که علی در مباحله نبوده است.

آنفسنا و آنفسکم دلالت می کند بر این معنا که آن شخص از حیث نسب به پیامبر نزدیک است همانطور که به کسی که به قومی در نسب نزدیک است گفته می شود: إنه من أنفسهم. و دلالت این آیه بر شدت محبت پیامبر و فضل علی بلندی جایگاه او نزد پیامبر را انکار نمی کند و ما فقط دلالتش بر افضلیت و امامت را منکر شدیم. (قاضی عبدالجبار معتزلی. المغنی فی أبواب التوحید و العدل. ج ۲۰. ص ۱۴۲)

۲- مقصود از « آنفسنا » علی است و محال است که نفس علی نفس پیامبر باشد بنابراین مقصود برابری نفس وی با نفس پیامبر در صفات کمال است، تنها صفت نبوت که مخصوص پیامبر است مستثنا خواهد بود. (ابن شعیب نسائی شافعی. أحمد. خصائص امیرالمؤمنین. ص ۱۰۸. باب ۲۳. ح ۷۲)

۳- در ری مردی به نام محمد بن حسن حمضی می زیست که معلم اثنی عشریه (امامیه) بود. او عقیده داشت مقام علی ابن ابی طالب از همه ی پیامبران بالاتر است به استثنای خاتم الأنبیاء. دلیل سخنش آیه ی مباحله

بود که به صراحت می‌گوید علی علیه السلام جان پیامبر است و چون حقیقت انسان جان اوست پس علی باید در همه ی فضائل و کمالات با پیامبر صلی الله علیه و آله یکسان باشد مگر مقام نبوت که علی علیه السلام حائز آن نیست. اما برتری پیامبر صلی الله علیه و آله بر همه ی انسان ها امری است که دلیل قاطع آن را اثبات می‌کند. آن گاه به حدیثی استشهد می‌کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «کسی که می‌خواهد به دانش آدم و بندگی نوح و خلیل بودن ابراهیم و هیبت موسی و برگزیدگی عیسی بنگرد به علی ابن ابی طالب علیه السلام نگاه کند.» (فخر رازی. التفسیر الکبیر. ج. ۲. ص ۴۷۶)

۴. از آنفسنا اراده ی نفس پیامبر فقط نمی شود. برای این که انسان خودش را دعوت نمی کند بلکه مراد از آن علی علیه السلام است که اخبار صحیحه و روایات ثابتة نزد اهل نقل بر آن دلالت می‌کند که مراد از آنفسنا علی علیه السلام است و پیامبر علی را به آن مقام خواند (و حقیقتا نفس علی نفس پیامبر نیست بلکه مراد مساوات در فضل و کمال است) پس علی با پیامبر در هر فضیلتی مساوی است به جز نبوت پس برتر از امت می‌باشد. (ایجی اشعری. میرسید شریف. شرح المواقف. ج. ۸. ص ۳۶۷)

منابع کلامی شیعه

پس از آشنایی با برداشت های مختلف کلامی های مختلف ارائه شده از سوی علمای اهل سنت با برداشت ها و نظرات کلامی متکلمان شیعه در ذیل این آیه شریفه نیز آشنا شویم و به مقایسه برداشت ها بپردازیم:

۱- علامه بیاضی در کتاب صراط المستقیم این طور نقل می‌کند:

بیشتر علمای ما علی علیه السلام را بر اولی العزم برتری می‌دهند به خاطر ریاست عامه اش و بهره‌مندی همه ی اهل دنیا از خلافت او. چرا که او خلیفه ی نبوت عامه است و نبی نیست و همچنین به خاطر قول نبی صلی الله علیه و آله و سلم در خبر طائر مشوی: ائنتی بأحب خلقک إلیک و لم یستثن الأنبیاء (محبوب ترین خلقت را برایم بیاور - درحالی که انبیاء را استثناء نکرد) و برای این که او با پیامبر مساوی است.

(علامه حلّی. کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام. ص ۹۰)

۲- در این که علی جان پیامبر ﷺ و نفس او خوانده شده، بدون شک معنای حقیقی منظور نیست؛ یعنی « علی » همچون پیامبر نیست بلکه منظور این است که علی ﷺ در رفعت و علو مقام همچون پیامبر ﷺ است که نفس پیامبر خوانده شده است. از سوی دیگر بدون تردید پیامبر ﷺ افضل از همه بود بنابر این هر که نفس پیامبر باشد او هم افضل از همه خواهد بود پس علی افضل از همه است. (علامه حلی. کشف المراد. ص ۲۱۸)

۳- آیه ی مباحله که گویاست امیرالمؤمنین در سنجش، خود پیامبر است و در آن است برای آن حضرت و دو پسرش و همسرش علیهم السلام فضیلتی خاص که هیچ کس از آدمیان و عالمیان با آن ها در آن شریک نیست و آن قول خداوند سبحان است در آیه ی شریفه ی ۶۱ سوره ی آل عمران: «بگو (ای محمد) بیایید تا بخوانیم پسران خود و پسران شما و زنان ما و زنان شما و خود ما و خود شما را و آن گاه به درگاه خدا نفرین کنیم و بسازیم لعنت خدا را بر دروغ گویان.» و آنفسنا و آنفسکم و نیز بخوانیم نفس خود و نفس شما را و به اتفاق مراد به نفس امیرمؤمنان علی ﷺ است. این جا برای آن که کسی نفس خود را بخواند چه این معنی از میان مرد و نفسش صورت نیندد پس لابد نفس مجاز بود و مورد او بر مبالغه بود. یعنی بخوانیم کسی را که حکم نفس او حکم نفس ما باشد و آن چه ما را باشد او را باشد الخ. با این که مورد اتفاق است که جز فاطمه زهرا س که مصداق نساءنا باشد و حسنین که مصداق ابنائنا باشد به همراه پیغمبر مرد دیگری در مجلس مباحله ی آن حضرت با نصارای نجران نبوده و این خود دلیل است بر اختصاص قسمت عصمت آنان در برابر دیگران. (کراچکی. کنزالفوائد و التعجب. ترجمه ی محمد باقر کمره‌ای. ج ۲. ص ۳۴۳)

۴- این آیه دلالت می‌کند بر اولویت علی ابن ابی طالب در امامت و استحقاقش برای خلافت. قطعا خداوند تعالی علی ابن ابی طالب ﷺ را به منزله ی نفس پیامبر ﷺ قرار داد: برای این که مراد از « آنفسنا » زیرا معنا ندارد که انسان خودش را بخواند همان طور که امر کردن انسان به خودش نیز معنا ندارد، مراد از آنفسنا

نیست مگر فاطمه و حسن علیهما السلام و حسین علیه السلام به خاطر قرار گرفتن آن‌ها تحت مفهوم أبناء و نساء، پس چاره ای نیست که مراد شخص دیگری غیر خودش و فاطمه و حسنین باشد و به اجماع غیر علی نیست. پس مراد معین شد. و از اینجا استفاده می‌شود که علی علیه السلام در همه ی صفات مساوی با پیامبر صلی الله علیه و آله مگر آن چه که با دلیلی خارج شود مانند نبوت. و زمانی که پیامبر برترین بشر باشد لازم است علی علیه السلام - که به منزله ی نفس پیامبر است - افضل مردم حتی انبیاء باشد. (استرآبادی، محمد جعفر. البراهین القاطعه فی شرح تجرید الاعتقاد الساطعه. ج. ۳. ص. ۲۵۳)

۵- مراد از آنفسنا علی علیه السلام است اما یگانه بودن نفس علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی متحد بودنشان در کمالات. (علامه حلی. ألفین. ج. ۱. ص. ۵۱۱)

۶- آنفسنا علی ابن ابی طالب است و خداوند تعالی او را بنابر طریق تشبیه و تمثیل در منزلت و والایی مقام در دنیا و همچنین بنابر اثبات حق علیه مخالفین با برهان در نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله به پاداشت. و صحیح نیست که مراد از قول خداوند متعال « و آنفسنا » نفس پیامبر به طور خاص باشد و این است و جز این نیست که غیر خودش را به خودش دعوت کند و آیه متضمن دعوت پیامبر به خودش باشد همان طور که مشخص است که پیامبر فرزندان و زنان را دعوت می‌کند و واجب است که دعوت شده ای باشد غیر از زنان و فرزندان قرار بگیرد که شخص دیگری جز علی ابن ابی طالب نیست. (کراجکی. الرسالة العلویة فی فضل امیر المؤمنین علی علیه السلام سائر البریه - سوی سیدنا رسول الله. ج. ۱. ص. ۱۰)

۷- مراد از آنفسنا همان علی علیه السلام است بنابر آن چه ثبت شده به نقل صحیح مراد، نفس علی علیه السلام همان نفس پیامبر صلی الله علیه و آله نیست در حقیقت، پس واجب است حمل آن بر مجاز یعنی نفس علی علیه السلام مانند نفس پیامبر است هنگامی که او متعارف است بین اهل زبان در قولشان که می‌گویند: « زید أسد » ، منظور این است که زید مثل شیر در شجاعت است و یا ابویوسف همان ابو حنیفه است یعنی ابویوسف مانند ابو حنیفه در فقه

قوی است و معلوم است که نفس پیامبر برتر از سایر صحابه است. پس نفس علی این چنین است (فاضل

مقداد. إرشاد الطالبین إلی نهج المسترشدين. ج ۱. ص ۳۵۳)

۸- به طور کلی می‌دانیم که منظور ایشان از نفس، چیزی همانند خون و هوا و ... که قوام پیکره ی مادی انسان

به آن است؛ نیست و همچنین مقصود ایشان از جمله «ندعُ أنفسنا و أنفسکم» خود ایشان نمی‌باشد، چرا که

درست نیست که انسان نفس خود را به سوی خویش یا دیگری فراخواند. تنها چیزی که باقی میماند این

است که منظور ایشان از کلمه ی نفس رساندن معنای همتا، مثل و نظیر است. مراد کسی است که در

عزت، کرامت، محبت، ریاست، ایثار، بزرگی و جلالت در نزد خداوند سبحان جایگاهی چون خود او را

داشته باشد.^۲ بر اساس همان اعتقادی که خداوند واجب کرده و بندگانش را به آن ملزم نموده است، اگر

هیچ دلیل دیگری وجود نداشت که حاکی از برتری پیامبر اسلام ﷺ بر امیرالمؤمنین ﷺ باشد همین اشاره ی

پیامبر که فرمود: «ندعُ أبناؤنا و أبناؤکم» دلالت بر تساوی آن‌ها هم در فضیلت و هم در رتبه می‌کرد. اما

دلایل دیگری موجود است که حضرت ختمی مرتبت را از این تساوی خارج می‌کند و برتری علی (علیه

السلام) بر سایر افراد بشر به مقتضای این مسئله باقی میماند. (بهار دوست، علیرضا و شمسایی، محمد

حسین. رساله تفضیل امیرالمؤمنین علی ﷺ در اثبات برتری حضرت امیر ﷺ) (ترجمه رساله تفضیل

امیرالمؤمنین علیه السلام شیخ مفید. ج ۱. ص ۴۱)

۹- اهل بیت خود را خواند در حالی که علی ﷺ از نفس رسول خدا و شبیه ترین مردم به پیامبر خدا بود و نیز

پدر و مادرش هاشمی. چرا قطعاً او هیچ بت و نه سنگی غیر از خدا را عبادت نکرد همان طور که او را از

نشستن بر جای نشستن و ربا نخوردن و ذبح نکردن برای غیر خدا و نخوردن برای غیر او عبادت کرد و

او مبرای از هر پلیدی و مطهر از آفات است. به شک و تردید آلوده نشد و زنازاده نیست و مادر و

^۲ یکی دیگر از دلایل این مطلب فرمایش تهدیدآمیز پیامبر اکرم است که یک بار به اهل طائف و بار دیگر به قریش خطاب فرمودند که

: لتسلمنَّ أو لأبعثنَّ رجلاً منی - در یک روایت به جای منی، مثل نفسی آمده است - فلیضربنَّ أعناقکم. تسلیم شوید وگرنه از جانب

خودم کسی را که به منزله ی جان من است به سوی شما می‌فرستم تا گردن هایتان را بزند.

مادربزرگ او فاحشه نیستند بلکه او همان طور که خداوند فرمود: «اولئک هم المطهرون» (ابن جریر ابن

رستم، محمد. المسترشد فی إمامة علی ابن أبی طالب علیه السلام ج ۱. ص ۵۸۱)

۱۰. اجماع کردند بر این که آیه مباحله نازل شد در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و

فاطمه علیها السلام و اصحاب استدلال کردند به این که امیرالمؤمنین علی علیه السلام بهترین صحابه است از دو

وجه؛ یکی از آن دو این که موضوع مباحله برای تمییز و جدا کردن حق از باطل است و آن صحیح نیست

که انجام داده شود مگر به وسیله کسی که او به درستی عقیده اش قطع و یقین دارد.

رسول خدا علی علیه السلام را مثل خودش (نفسه) قرار داد و فی قوله تعالی «و أنفسنا و أنفسکم» برای این که او اراده

کرد قولش را فرزندانمان حسن و حسین و زنان ما فاطمه بی شک و قول کسی که گفت قطعا او اراده کرد از نفس،

خودش را باطل است برای این که از محالات است که انسان خودش را بخواند. (ابن شهر آشوب مازندرانی. متشابه

القرآن و مختلفه. ج ۲. صص ۳۳ و ۳۴)

۱۱. مراد از این که انسان خودش را بخواند، کسی است که جانشین آنفسناست و علی علیه السلام را در حالی که او

را همراه خودش برده است اراده نکرده است [در این حالت] کفار می توانستند بگویند که با خودت کسی

را آوردی که شرط نکرده بودی و با شرط خودت مخالفت کردی. و این است و جز این نیست که معنای

کلام جانشین آنفسنا است.

و شبهه ی واحدی در الوسیط این است: قطعا أحمد بن حنبل گفت: از آنفس اراده ی فرزندان صبر و

جنگ شده و خبر از پسر عموها میدهد چراکه او نفس پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله است و خداوند متعال فرمود:

و لا تلمزوا أنفسکم [از این] اراده ی برادران ضعیفان شده است چرا که آن حمل بر مجاز نمی شود مگر

در هنگام ضرورت و اگر این را بپذیریم برای پیامبر صلی الله علیه و آله پسر عموهایی بوده است پس جز علی علیه السلام را در

میان آن ها اراده نکرده است... (ابن شهر آشوب. مناقب آل أبی طالب. ج ۲. ص ۲۱۷)

۱۲. «فبلغ الله بكم» رساند شما را به بالاترین محل اکرام کنندگان و بهترین مراتب آن ها « و أعلى منازل المقربين» از فرستادگان و « أرفع درجات المرسلين» و این ها درجات پیامبر ماست. همان طور که علامه نیشابوری در تفسیر خود می آورد که أنفسنا و أنفسکم به این که لا تُضارَّ الشيعةُ قديما و حديثا استدلال می کند به این آیه بر افضلیت علی عليه السلام بر همه ی پیامبران به این که نفس پیامبر و ایشان برتر از سایر انبیاء است و گفت: و تایید می کند آن را آن چه که روایت شد از او که پیامبر گفت: هر کس که اراده کند که نگاه کند به آدم در علمش و به نوح در عبادتش و به ابراهیم در خدمت کردنش و به موسی در هیبتش و به عیسی عليه السلام در ورعش پس باید نگاه کند به علی بن ابی طالب پس قطعا در او هفتاد خصلت از خصلت های انبیاء است بنا بر این که هر یک از آن ها را جدا می کند از سایر پیامبران به همراه خصلت واحدی از این خصلت ها پس هر کس که جمع باشد در او همه ی این خصلت ها برتر می باشد. و اخبار نزد ما متواتر هستند نسبت به آن در همه ی ائمه ع (مجلسی، محمد تقی. روضه المتقین فی

شرح من لا يحضره الفقيه. ج. ۵. ص ۴۸۵)

واکاوی فضیلت انفسنا در منابع تفسیری فریقین

در این فصل به دنبال پاسخ به دو سؤال هستیم:

- ۱- آیا همه مفسران شیعه در طول تاریخ از تعبیر انفسنا در آیه ی مباحله فضیلتی برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام برداشت کرده اند یا خیر؟ و آیا کسی هم یافت می‌شود که بار فضیلتی برای این تعبیر قائل نباشد؟
- ۲- تفسیر مفسران اهل سنت در طول تاریخ از تعبیر انفسنا در آیه ی مباحله چیست؟ اثبات فضیلت یا چیزی دیگر؟

منابع اهل سنت

در این فصل نیز برانیم که با نظرات و برداشت های اهل سنت البته در زمینه تفسیر آشنا شده و بدانیم مفسران سنی چه برداشت هایی در ذیل این آیه و «انفسنا» ارائه داده اند:

- ۱- مراد از انفسنا حضرت علی علیه السلام است و آن وجود مبارک (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) و علی علیه السلام و حسنین و فاطمه در مباحله شرکت کردند. به دلالت آیه شریفه به عقیده ی شیعه حضرت علی علیه السلام افضل از تمام انبیاء و اولیاء است و حال آن که نمی شود گفت علی افضل از وجود خاتم الانبیاء نیز می‌باشد. به نظر اجماع پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم افضل از علی و سایر انبیاء است و چون علی نبی نیست پس پیامبر آنکه این تهمت است واضح بر شیعه هست و هیچ فردی از شیعه حتی عوام این عقیده را ندارند که علی افضل از پیامبر باشد. (فخر رازی. التفسیر الکبیر ج ۲ صص ۴۷۶ و ۴۸۶)

- ۲- ابن جوزی در تفسیر خود در این مسئله ۵ قول از جمله سخن شعبی را بیان می‌کند ولی چنین رأیی را گزارش نمی‌کند. یعنی چنین سخنی مطرح و معقول نبوده و گرنه آن را نیز می‌افزود خصوصا برای این که قول اول را که مراد از انفس را علی ابن ابی طالب علیه السلام با تکثیر احتمالات تضعیف کند. (ابن

۳- کلمه أنفسنا بر علی علیه السلام دلالت نمی کند بلکه مراد از آن خود پیامبر است و علی علیه السلام جز کلمه ی أنبائنا به حساب آمده و به مباحله فراخوانده شده است. در عرف عرب داماد نیز پسر شمرده شده است، از این رو استعمال نوه ی دختری و داماد در أبناء یا مجاز است یا عموم المجاز پس ندع أنفسنا یعنی احضار خود (آلوسی. روح المعانی. ج ۲. ص ۱۸۱)

۴- کلمه أنفسنا بر علی علیه السلام دلالت نمی کند بلکه مراد از آن خود پیامبر صلی الله علیه و آله است و علی علیه السلام جزء کلمه ی أنبائنا به حساب آمده و به مباحله فراخوانده شده است. قائل به این مطلب هستند که در عرف عرب داماد پسر شمرده می شود. از این رو استعمال نوه ی دختری و داماد در أبناء یا مجاز است یا عموم المجاز. (أبو حیان آندلسی. بحرالمحیط. ج ۳. ص ۱۸۸)

۵- دلالت بر علی علیه السلام می کند و مصدر های این روایات همه از منابع شیعه است و مقصد و هدف آن ها نیز شناخته شده است و شیعه تلاش کرده که این روایات را ترویج بدهد. (محمد رشید. تفسیر المنار. ج ۳. ص ۳۲۲)

در بسیاری از کتب اهل تسنن از جمله الدرر المثور از سیوطی و جامع البیان فی تفسیر القرآن و... اصلا از أنفسنا و اثبات فضیلت آن بحثی به میان نمی آورند.

تفاسیر شیعه

علمای شیعه به اتفاق از تعبیر «أنفسنا» در آیه مباحله برداشت اثبات فضیلت برای امام علی علیه السلام دارند و آن حضرت را نفس و جان رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانند به همان معنا که قبلا آورده شد. در ادامه برخی از این منابع و تفاسیر آورده شده که گویای سخن ماست:

۱- أنفسنا یعنی فقط علی علیه السلام و جایز نیست که باشد منظور از آن پیامبر صلی الله علیه و آله. برای این که پیامبر صلی الله علیه و آله همان داعی است و جایز نیست که انسان خودش را دعوت کند و فقط صحیح است که فقط پیامبر دعوت کند غیر خودش را و زمانی که باشد قول پیامبر صلی الله علیه و آله (أنفسنا) به ناچار باید اشاره به غیر پیامبر صلی الله علیه و آله باشد و واجب است که اشاره به علی علیه السلام باشد. برای این که در مورد او نیست احدی که دعوت کند و وارد کند داخل شدن غیر امیرمؤمنین علیه السلام و همسرش و دو فرزندش را در مباحله. و این دلالت می کند بر غایت فضل و برتری درجه و رسیدن به جایی که احدی به آن نمی رسد. هنگامی که قرار داد او را خداوند نفس رسول اسلام یعنی کسی نزدیک او نمی شود در مقام و منزلت. (طبرسی. فضل بن حسن. مجمع البیان. ج ۱. ص ۵۷۳)

۲- مراد از أنفس علی ابن ابی طالب علیه السلام می باشد. رسول خدا او را آورد سپس او را در سمت راست خود نشانید مثل شیر (منظور معنای شجاعت حضرت است) سپس رسول خدا فرمودند: خدایا این شخص (که اشاره به علی علیه السلام دارد) نفس من است و او نزد من مثل خود من است «هو عندی عدل نفسی». (ابن علی علیه السلام. حسن علیه السلام. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ع. ص ۶۵۸)

۳- پس خداوند محمد و علی و فاطمه و حسنین را راست گوترین راست گویان قرار داد و برترین مؤمنان و برترین مؤمنان اما محمد (صلی الله علیه و آله) بهترین مردان جهانیان است و علی نفس پیامبر است و بهترین مردان جهانیان بعد از اوست. (ابن علی علیه السلام. حسن علیه السلام. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ع. ج ۱. ص ۶۵۹)

۴- قطعا پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار داد علی علیه السلام را مثل خودش به گفته ی خداوند: «أنفسنا و أنفسکم» برای این که خداوند اراده کرد از قولش «أبنائنا» را بدون هیچ اختلافی. به گفته ی خداوند نساننا و نسانکم فاطمه س و به گفته ی خداوند مراد از «أنفسنا» پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است برای این که حاضر نشد غیر از آن دو کسی. (طوسی. التبیان فی تفسیر القرآن. ج ۲. ص ۴۸۵)

۵- «أنفسنا و أنفسکم» دلالت می کند بر این معنا. چرا که قطعا او نزدیکی ناشی از لفظ قرابه را اراده کرده است. همانطور که درباره ی مردی گفته میشود: یقرب فی النسب من القوم. قطعا او از أنفسهم می باشد. و دلالت این آیه بر شدت محبت پیامبر و فضل علی و بلندی جایگاه او نزد پیامبر را انکار نمی کند و ما فقط دلالتش بر افضلیت و امامت را منکر شدیم. (علم الهدی. علی ابن حسین. التفسیر الشریف المرتضی المسمی بنفائس التأویل. ج ۲. ص ۱۶)

۶- در آیه ی شریفه ی ۶۱ سوره ی آل عمران هر چند که أنفسنا به صورت جمع آمده ولی به اجماع مفسران پیامبر خدا علی ابن ابی طالب را به عنوان مصداق أنفسنا آورده است و این منقبتی عظیم و فضیلتی بزرگ برای حضرت علی علیه السلام است که پیامبر از او به عنوان جان خود یاد می کند و هیچ کس جز علی علیه السلام این فضیلت را ندارد. (جعفری. یعقوب. تفسیر کوثر. ج ۲. ص ۱۴۷)

نتیجه گیری

از آن چه گذشت چنین استفاده می شود در اینکه علی علیه السلام جان پیامبر صلی الله علیه و آله و نفس او خوانده شده، بدون شک معنای حقیقی منظور نیست؛ چون وحدت و عینیت وجود علی و پیامبر ممکن نیست.

طبق بررسی های صورت گرفته در منابع کلامی، تفسیری و روایی فریقین تعبیر «نفسنا» در آیه مباهله حاوی فضیلتی برای امیرالمومنین علیه السلام است؛ به این بیان که منظور از اینکه علی علیه السلام نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است این است که علی در رفعت و علو مقام و همچنین از نظر صفات و کمال و منزلت معنوی همچون پیامبر صلی الله علیه و آله است که نفس پیامبر خوانده شده است یعنی او را به منزله نفس خود دانسته است. مگر منزلت نبوت که به رسول خدا صلی الله علیه و آله اختصاص دارد و بدین سبب پیامبر در رتبه ای بالاتر از علی علیه السلام قرار دارد اما در دیگر صفات و کمالات همتای پیامبر است و چون پیامبر در آن صفات بر همگان برتر است علی نیز برتر از آنان خواهد بود.

«در فضل علی علیه السلام بس بود این نکته که باید اثبات بکند شیعه که این مرد خدا نیست»

منابع و مأخذ

قرآن كريم

ابن ابراهيم كوفى، فرات، تفسير فرات كوفى، ١٤١٠، تهران، وزارة الثقافة و الإرشاد الاسلامى

ابن بابويه، محمد ابن على، الخصال، ١٣٦٢ش، قم، جامعه مدرسين

ابن جوزى، عبدالرحمن ابن على، زاد المسير فى علم التفسير، ١٤٢٢ق، بيروت، دار الكتاب العربى

ابن حسن طبرسى، فضل، تفسير مجمع البيان، ١٣٧٢ش، تهران، ناصر خسرو

ابن سليمان هيثمى، ابوالحسن نورالدين على ابن ابى بكر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ١٤١٤ق، قاهره، مكتبه

القدسى

ابن شعبه حرانى، حسن ابن على، تحف العقول عن آل الرسول، ١٤٠٤ق، قم، جامعه مدرسين

ابن شعيب نسائى شافعى، احمد، خصائص أمير المؤمنين، ١٣٨٣ش، بوستان كتاب

ابن شهر آشوب مازندرانى، محمد ابن على، متشابه القرآن و مختلفه، ١٣٦٩ش، قم، دار بيدار للنشر

ابن شهر آشوب مازندرانى، محمد ابن على، مناقب آل ابى طالب ع، ١٣٧٩ق، قم، علامه

ابن طريق، يحيى ابن حسن، عمدة عيون صحاح الأخبار فى مناقب إمام الأبرار، ١٤٠٧ق، قم، موسسه نشر اسلامى

جامعه مدرسين

ابن على ابن حجر عسقلانى. احمد، مطالب العالیه بزوائد المسانيد الثمانية، رياض، دارالعاصمه و دارالغيث

ابن محمد ابن حنبل، احمد، مسند أحمد ابن حنبل، ١٤٢١ق، موسسه الرساله

ابوحيان اندلسى، محمد ابن يوسف، بحر المحيط، ١٤٢٠ق، بيروت، لبنان، دارالفكر

استر آبادى، محمد جعفر، البراهين القاطعه فى شرح تجريد الاعتقاد الساطعه،

أنصارى. جمال الدين ابن منظور، ١٤١٤ق، بيروت،

ايجى، عضدالدين عبدالرحمن ابن احمد، شرح المواقف، بيروت، دارالجيل

ألوسى، محمود ابن عبدالله، تفسير روح المعاني ١٤١٥ق، بيروت، لبنان، دار الكتب العلميه منشورات محمد على

بيضون

جعفرى. يعقوب، ١٣٧٦ تفسير كوثر، ١٣٧٦ش، قم، هجرت

حسن ابن على، تفسير منسوب به امام حسن عسكرى، ١٤٠٩ق، قم، ندرسه الامام المهدي

خوارزمى، موفق ابن احمد ابن محمد مكى، المناقب الامام امير المومنين، ١٤١١ق، قم، جامعه مدرسين

رازى، فخر الدين، تفسير الكبير، ١٤٢٠ق، بيروت، دار احياء التراث العربى

رشيد، محمد رضا، تفسير المنار، ١٤١٤ق، بيروت، دارالمعرفه

شرتونى. سعيد، اقرب الموارد، ١٤٠٣ق، قم، مكتبه آيت الله العظمى مرعشى

شوكانى. محمد ابن على ابن محمد، الفوائد المجموعه فى الأحاديث الموضوعه، بيروت، دار الكتب العلميه

طبرى آملى كبير، محمد بن جرير بن رستم، المسترشد فى إمامه على ابن ابى طالب ع، ١٤١٥ق، قم، كوشانپور

طوسى، محمد ابن حسن، التبيان فى تفسير القران، لبنان، بيروت، دار إحياء التراث العربى

علامه حلى. حسن ابن يوسف ابن مطهر، ألفين، قم، ١٤٠٢ق، دارالهجره

علامه حلى. حسن ابن يوسف بن مطهر، كشف المراد فى شرح تجريد الاعتقاد

علامه حلى، حسن ابن يوسف ابن مطهر، كشف اليقين فى فضائل امير المومنين، ١٤١١ق، تهرانفوزارت ارشاد

على ابن الحسين، علم الهدى تفسير الشريف المرتضى المسمى بنفائس التأويل، ١٤٣١ق، لبنان، بيروت، مؤسسة

الأعلمى للمطبوعات

فاضل مقداد، إرشاد الطالبين إلى نهج المسترشدين،

قاضى عبدالاجبار معتزلى، المغنى فى أبواب التوحيد و العدل

كراجكى. محمد ابن على، الرسالة العلويه فى فضل امير المومنين على سائر البريه - سوى سيدنا رسول

الله، ١٤٢٧ق، قم، دليل ما

كراجكى، محمد ابن على، ترجمه محمد باقر كمره اى، كنز الفوائد، ١٤١٠ق، قم، دار الذخائر

متقى هندى. على ابن حسام، كنز العمال، بيروت، دار الكتب العلميه

مجلسى، محمد تقى بن مقصود على، روضه المتقين فى شرح من لا يحضره الفقيه، ١٤٠٦ق، قم، مؤسسه فرهنگى

اسلامى كوشانپور

مفيد، محمد بن محمد، اثبات برترى حضرت أمير المومنين، تهران، تاسوعا

مفيد، محمد بن محمد، الفصول المختاره، ترجمه آقا جمال خوانسارى. محمد بن حسين، قم، انتشارات مومنين

مكارم شيرازى. ناصر، تفسير نمونه، ١٣٧١ش، تهران، دارالكتاب الاسلاميه

نسايى شافعى. احمد ابن شعيب، خصائص امير المومنين، ١٣٨٢ش، بوستان كتاب